کارگاه فیلمنامه

با سپاس از آقایان : حمید دهقان‌پور، جعفر حسنی ، حسن نجفی، شهاب شادمان ، اشکان سپهر
خانم‌ها: دکتر سهیلا نجم و شعله نظریان

- گفت‌وگو در سینما
- ماهیت سینمای سیاسی
- آشنایی با کتاب‌های سینمایی روز
- نمای نزدیک :ساموراپی
- بررسی فیلمنامه‌های بهرام بیضایی (قسمت اول)
- معرفی کتاب: فیلمنامه‌نویسی برای سینما و تلویزیون
- کاریکاتور سینمایی
- گزارش بانک فیلمنامه

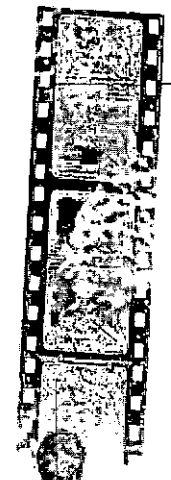

از ایده تا فیلمنامه

گفت‌وگو در سینما

جعفر حسنی (بخش هفدهم)

حاج‌کاظم: «تو می‌دونی گُردان بره خط، گروهان برگرده یعنی چی؟ تو می‌دونی گروهان بره خط، دسته برگرده یعنی چی؟ تو می‌دونی دسته بره خط، نفر برگرده یعنی چی»؟[1]

ناصرالدین‌شاه: «مدرسه‌ی هنر، مزرعه‌ی بلال نیست آقا که هر سال محصول بهتری داشته باشه. در کواکب آسمان هم یکی می‌شه ستاره‌ی درخشان؛ الباقی سوسو می‌زنن».[2]

اسی: «مارک کجایی؟

عباس: حول و حوش نواب.

اسی: نوبت هم خوبه آق کمال، خوش اومدی

عباس: اسمم عباسه و فامیلیم خاکپوره

اسی: اسمت مراد ماست، فامیلیت مرام ما».[3]

مادر: «سر شام گریه نکنین، غذا رو به مردم زهر نکنین. سماور بزرگ و استکان نعلبکی هم به قدر کفایت داریم؛ راه نیفتین دوره در و همسایه پی ظرف و ظروف. آبروداری کنین بچه‌ها، نه با اسراف. سفره از صفای میزبان خرم می‌شه، نه از مرصع‌پلو. حرمت زنیت مادرتون رو حفظ کنین. محمدابراهیم، خیلی ریز نکن مادر، اون‌وقت می‌گن خورشتشون فقط لپه داره و پیازداغ ... ضیافت مرگ، عطر و طعمش دعاست. روغن خوب هم تو خونه داریم، زعفرونم هست، اما چربی و شیرینی ملاک نیست، این حرمتیه که زنده‌ها به مرده‌هاشون می‌ذارن».[4]

وکیل: « وکیلا حرف مفت زیاد می‌زنن اما مفت حرف نمی‌زنن»![5]

حمید: «اگه من اون منی باشم که تو می‌خوای که دیگه من، من نیست، یعنی منِ خودم نیستم».[6]

ایلزا: «یه فرانک بهت می‌دم اگه بگی به چی فکر می‌کنی

ریک: تو آمریکا برای افکار فقط یه پنی می‌دن؛ به نظرم چیزی در همین حدود هم بیش‌تر ارزش ندارن»![7]

گفت‌وگوهای خوب، گفت‌وگوهای بد

گفت‌وگوهای مذکور، نمونه‌هایی از گفت‌وگوهای سینمایی است که بعد از سال‌ها همچنان در ذهنمان مانده‌اند. گفت‌وگوی خوب، تبادل نیرویی است بین طرفین؛ نیرویی که بین شخصیت‌ها رد و بدل می‌شود، حالتی رفت و برگشتی دارد و آهنگ و حرکتی که شکلی روان به گفت‌وگوها می‌بخشد. شنیدن گفت‌وگوی خوب لذت‌بخش است، چرا که این گفت‌وگو مثل قطعه‌یی موسیقی ریتم و ضرب‌آهنگ دارد، کشمکش دارد و قصد و هدفی را دنبال می‌کند و تنها جنبه‌ی اطلاعاتی ندارد، بلکه احساس و اطلاعات را غیرمستقیم بیان می‌کند. گفت‌وگوی خوب به شخصیت‌ها پیچیدگی می‌دهد و آن‌ها را از پیش‌پاافتادگی و روزمره بودن دور می‌کند، اما گفت‌وگوی بد تصنعی است. در گفت‌وگونویسی ضعیف، آدم‌ها طوری حرف می‌زنند که کلام و گفتارشان با شخصیتشان هماهنگ و هم‌سطح نیست؛ یا همه‌ی آن‌ها مثل هم حرف می‌زنند و از واژه‌هایی یکسان استفاده می‌کنند یا آن‌قدر پرحرفی می‌کنند و بدون راز و رمز و کنایه حرف می‌زنند که گفت‌وگویشان با یک گفت‌وگوی غیرسینمایی تفاوتی ندارد. آن‌ها مخاطب و شنونده را با گفته‌های بی‌مورد یا تصنعی خود آزار می‌دهند. در گفت‌وگونویسی ضعیف، بدون توجه به جایگاه و موقعیت اجتماعی و تحصیلی شخصیت‌ها همه‌ی آن‌ها از یک نوع کلام و واژه و اصطلاح استفاده می‌کنند؛ به زبان ساده فرقی بین حرف زدن یک ولگرد با یک استاد دانشگاه مشاهده نمی‌شود.

نویسندگان حرفه‌یی شخصیت‌ها را به دقت بررسی می‌کنند و بر اساس خصوصیات جسمانی، روانی و اجتماعی آن‌ها، نوع واژه‌هایی را که به کار می‌برند و ریتم و لحن بیان آن‌ها را تعیین می‌کنند

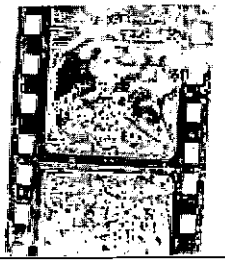

گفت‌وگونویسی برای اکثر نویسندگان سخت‌ترین بخش نویسندگی به حساب می‌آید. اغلب گفت‌وگوهایی که نویسندگان جوان می‌نویسند، گفت‌وگوهایی دلنشین نیست مگر این‌که در این زمینه به قدر کافی تمرین داشته باشند. این گفت‌وگوها معمولاً بدترکیب، نامناسب و رنگ و رو رفته بوده و حس واقعی بودن را ندارند و به اصطلاح توی ذوق می‌زنند.

یکی از اولین نکاتی که در گفت‌وگونویسی باید مد نظر قرار داد، ایجاز است. همه‌ی ما در زندگی روزمره‌ی خود حرف‌های زیادی می‌زنیم که احتمالاً نیازی به بیانشان نیست. اگر به مجموعه گفت‌وگوهایی که در یک مهمانی بین حاضرین رد و بدل می‌شود دقت کنید، به سادگی متوجه این موضوع خواهید شد. ما وقتی در جلسات یا در مصاحبه‌ها شرکت می‌کنیم و بعد صحبت‌های خودمان را می‌شنویم، متوجه می‌شویم که چه‌قدر از جملات و کلمات زاید و تکراری استفاده کرده‌ایم. در ارتباطات روزانه، دور هم نشینی‌ها و دید و بازدیدها، هر کسی می‌خواهد حرفی بزند. شاید این یک نوع اعلام حضور و وسیله‌یی برای دیده شدن باشد. در این مواقع همه می‌خواهند حرفی بزنند و به همین خاطر در ذهن خود دنبال موضوعی برای گفتن می‌گردند. ممکن است حرف‌هایی بین افراد رد و بدل شود که حتی هیچ ربطی به بحث‌های قبلی‌شان نداشته باشد. ممکن است برای بیان یک جمله و کلام ساده، دقایق زیادی حاشیه‌روی و زمینه‌چینی شود، اما گفت‌وگوی فیلمنامه نمی‌تواند این‌گونه باشد؛

به خاطر همان محدودیت‌هایی که در دروس پیشین اشاره شد و از همه مهم‌تر این که هیچ کس حاضر نیست برای شنیدن حرف‌های بی‌ارزش وقت و هزینه‌ی خود را هدر دهد. گفت‌وگوی غیرضروری و زاید در فیلمنامه کار را خسته‌کننده می‌کند و تأثیر گفت‌وگوهای خوب را از بین می‌برد، اما این به مفهوم آن نیست که گفت‌وگو را طوری بنویسیم که فوراً و بدون هیچ مقدمه‌یی هر بار به سراغ مطلب اصلی برویم. در این صورت گفت‌وگوی ما رنگ و روی یک گفت‌وگوی طبیعی را از دست خواهد داد، در حالی که گفته بودیم فیلمنامه نمایی واقعی دارد و گفت‌وگو هم جزیی از فیلمنامه است. نویسندگان حرفه‌یی گفت‌وگو را طوری می‌نویسند که از یک سو کاملاً عادی و طبیعی به نظر می‌رسد و از سوی دیگر تک‌تک کلمات آن به دقت و با منظور خاصی انتخاب شده است.

هر گفت‌وگویی در فیلمنامه چند وظیفه‌ی اصلی دارد از جمله این که باید عواطف، افکار، احساسات و خصوصیات شخصیت‌ها را بروز دهد، هم‌چنین اطلاعات داستانی را برملا سازد و داستان را پیش ببرد. به اعتقاد بسیاری از نویسندگان، مهم‌ترین وظیفه‌ی گفت‌وگو در فیلمنامه بیان افکار و عواطف شخصیت‌هاست. همان‌طور که در زندگی، آدم‌ها از طریق کلام احساسات خود را بروز می‌دهند، گفت‌وگو در فیلمنامه نیز این وظیفه را انجام می‌دهد؛ نظیر: تیلر: «می‌دونی، ما همه واقعاً خوشحالیم که داریم از دست تو راحت می‌شیم سامرست»[۸]!

گفت‌وگو تنها شیوه‌ی بیان افکار نیست، بلکه رفتار، حرکت و حالت چهره، افکار و عواطف ما را گاهی دقیق‌تر از هر کلمه‌یی برملا می‌سازد؛ هرچند گاهی نیز می‌تواند بیان دقیق افکار نباشد، برای مثال در مواقعی که شخصیت دروغ می‌گوید و سعی می‌کند اعمال خلاف خود را پنهان سازد اما تماشاگران باید صحت حرف‌های شخصیت را تشخیص دهند، چرا که یکی از وظایف گفت‌وگو ارزیابی شخصیت است.

گفت‌وگو می‌تواند رابطه‌ی کمی با محتوای صحنه داشته باشد؛ مثل گفت‌وگوی دو نفر در یک صحنه در حالی که یکی از آن‌ها دور از چشم دیگری به کسی دیگر در همان محیط توجه دارد و صرفاً برای لو نرفتن ذهنیت خود، گفته‌های شخصیت مقابل را پاسخ می‌دهد.

هر فیلمنامه‌نویسی برای ارایه‌ی اطلاعات داستانی به دو شیوه عمل می‌کند: بصری و از طریق گفت‌وگو. اغلب از آن‌جا که انتقال

اطلاعات از طریق گفت‌وگو آسان‌تر است، اولین فکری که به ذهن نویسنده می‌رسد بیان این اطلاعات از طریق گفت‌وگوست، در حالی که با کمی تأمل بیش‌تر می‌توان از ترفندهایی تصویری برای این منظور استفاده کرد تا حجم گفت‌وگو در فیلمنامه زیاد نشود.

برملا ساختن خصوصیات شخصیت از طریق گفت‌وگو

نوع واژه‌هایی که یک شخصیت به کار می‌برد و جملاتی که بیان می‌کند در تعریف خصوصیات شخصیت نقش مهمی دارد؛ برای مثال وقتی شخصیتی از اصطلاحات خاص کوچه‌بازاری استفاده می‌کند ما فوراً پی می‌بریم که او در چه جایگاه اجتماعی قرار دارد. یک گدا به گونه‌یی حرف می‌زند و یک ثروتمند به گونه‌یی دیگر. یک پزشک از اصطلاحاتی استفاده می‌کند که یک مهندس، یک راننده‌ی کامیون یا یک وزیر ممکن است استفاده نکند. نویسندگان حرفه‌یی شخصیت‌ها را به دقت بررسی می‌کنند و بر اساس خصوصیات جسمانی، روانی و اجتماعی آن‌ها، نوع واژه‌هایی را که به کار می‌برند و ریتم و لحن بیان آن‌ها را تعیین می‌کنند.

داستان از طریق گفت‌وگو حرکتی رو به جلو دارد. وقتی دو شخصیت بر سر چیزی با هم بحث می‌کنند و در آخر به نتیجه‌یی مشخص رسیده و تصمیم‌گیری می‌کنند در واقع داستان وارد مرحله‌ی تازه‌یی می‌شود. این همان نقشی است که گفت‌وگو در خط سیر داستان دارد.

شکل روان و ساده در گفت‌وگو

یکی از اشتباهاتی که برخی نویسندگان جوان و کم‌تجربه در گفت‌وگونویسی مرتکب می‌شوند، به کار بردن کلمات و جملات قلمبه و اصطلاحات و عبارات مشکل برای اظهار فضل است. حتی در حالتی که شخصیت‌ها از تحصیلات و تخصص‌های علمی مانند روانشناسی و پزشکی یا مهندسی برخوردارند بهتر است تا آن‌جا که ممکن است از به کار بردن اصطلاحات علمی خاص خودداری شود، چرا که در غیر این صورت گفت‌وگوها حالتی خشک و خسته‌کننده به خود می‌گیرند. فراموش نکنیم که معمولاً افراد مختلف سعی نمی‌کنند هنگام گفت‌وگو با دیگران با به‌کارگیری همه‌ی لغاتی که می‌دانند خودنمایی کنند، مگر این‌که این مسئله جزیی از ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها باشد و نویسنده روی این موضوع در آن شخصیت به‌خصوص - به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی او - تأکید داشته باشد. پس بهتر است گفت‌وگو تا آن‌جا که ممکن است شکلی روان و ساده داشته باشد ■

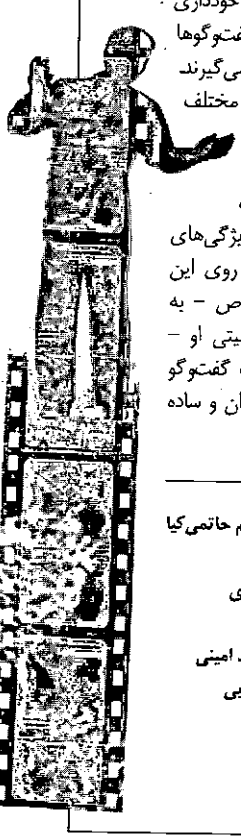

۱- آژانس شیشه‌یی ساخته‌ی ابراهیم حاتمی‌کیا
۲- کمال‌الملک ساخته‌ی علی حاتمی
۳- آدم برفی ساخته‌ی داوود میرباقری
٤- مادر ساخته‌ی علی حاتمی
٥- چتری برای دو نفر ساخته‌ی احمد امینی
٦- هامون ساخته‌ی داریوش مهرجویی
۷- کازابلانکا ساخته‌ی مایکل کورتیز
۸- فیلمنامه‌ی هفت